



ارائه خواهید نمود؟ مزیت‌های کتاب‌واره چه بوده است؟

این سخن دلیل لطف و حسن ظن جنابعالی است. موفقیت‌های پی‌درپی این کتاب‌های بیشتر از اینکه حاصل توانایی مؤلف باشد؛ نشانه‌ی فرهنگ بسیار کهن و شکوهمند ایرانی اسلامی است که متأسفانه بسیار کم شناخته شده است. من در این اثر بیشتر، کشف و ثبت‌کننده‌ی تعاونی‌ها و مشارکت‌های سنتی زنان این سرزمین بوده‌ام که نه تنها افتخاری برای زنان ایران است که همچنین مایه افتخار مردان ایران در کل فرهنگ ایرانی است. فراموش نکنیم که انگلیسی‌ها صد و پنجاه سال است که گوش فلک را به دلیل تأسیس تعاونی‌ها ی‌راچدیدل کر کرده‌اند و البته آن کار نیز در حد خود افتخار آمیز است، اما کسی نمی‌داند؛ حتی زنان روشنفکر و تحصیلکرده علوم اجتماعی ما غالباً نمی‌دانند که یکی از اولین زادگاه‌های تعاونی‌های زنان که سابقه‌ای چند هزار ساله دارد؛ در ایران بوده است. این پژوهش چند دهه‌ای دارای سه مرکز اصلی بوده است که یکی از این مراکز پژوهشی ما و به دلایلی که در کتاب آمده، سیرجان و شهرهای پیرامون آن بوده است. این تعاونی‌ها به قدری گسترده بوده که در سال ۱۳۳۵ که جمعیت ایران تنها ۱۸ میلیون تن بوده است و طبیعتاً ۹ میلیون زن و دختر در آن روزگار داشته‌ایم در حدود ۲ میلیون زن در این تعاونی‌ها با نام‌های محلی گوناگون عضو بوده‌اند که با احتساب هر خانواده ایرانی در حدود پنج نفر، حدود ۱۰ میلیون نفر از ۱۸ میلیون ایرانی را در زیر چتر خود می‌گرفتند.

* این کتاب چه موفقیت‌های دیگری کسب کرده است؟

بله این کتاب به یمن کار و فکر متجسد و منتجلی شده‌ی چند هزارساله فرهنگ ایرانی در سال ۱۳۸۱ برنده جایزه نخست بیستمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی در علوم اجتماعی و همچنین برنده لوح و جایزه جشنواره زن روستا از وزارت جهاد سازندگی و پس از هشت سال برنده جوایز و لوح و مدال و تندیس چهارمین دوره جشنواره فارابی و لوح تقدیر و جایزه بنیاد نخبگان و همچنین لوح تقدیر از سازمان آسیسکو ISESCO و سازمان یونسکو بوده است.

* با این حساب این کتاب بایستی مزیت‌های خاصی داشته باشد که تا این اندازه مورد عنایت مجامع مراکز و بنیادهای علمی قرار گرفته است؟

همین‌طور است به قول عشایر سیرجانی شاید نو و نازد بودن کار یکی از این دلایل بوده باشد، طبیعتاً وقتی پدیده‌ای برای خود ایرانیان این چنین ناشناخته باشد، برای دیگران نیز جذابیت دارد؛ اما مسئله مهم‌تر همان است که قبلاً اشاره شد. انرژی نهفته در فرهنگ کهن و متکاتف و یاریگرانه ایرانیان و تجارب فشرده آنان در کار دسته‌جمعی و تعاونی‌های مردمی و خودانگیخته بوده است. این کتاب اگر چه از منابع کتاب‌خانه‌ای بسیاری در پیرامون و تحلیل مسائل استفاده کرده است، اما بدنه و محور اصلی آن کار میدانی و اکتشافی بسیار گسترده از نظر جغرافیایی و بلند مدت از نظر زمانی و عمیق از نظر پرداخت به ریزمردم نگاری‌های زمانبر و کاربر بوده است.

* نظر جنابعالی درباره‌ی کتاب موزه‌های باز یافته که کتاب برگزیده‌ی استانی در سال ۱۳۷۹ و گمانه‌زنی‌هایی در فرهنگ عشایر روستاییان سیرجان دارد؛ چه اهمیتی از منظر مردم‌شناسی دارد؟

این کتاب که حاصل شگفت‌زدگی اینجانب از فرهنگ پر بار و عمیق روستاییان و عشایر متنوع سیرجان و چند شهر پیرامون آن بردسیر، بافت و شهر بابک و از آن جمله می‌موند بوده است و از خیر بافت و تا خیر شهر بابک گستره و محدوده‌ی آن کشیده شده است. ممکن است در نظر نخست پیش پا افتاده و ساده به نظر برسد، اما همچنان که در نام کتاب مستور است، گنجینه‌ی کمیابی از چند گمانه‌زنی در فرهنگ کهن سیرجان و شهرهای پیرامون آن است که در مناطق دیگر ایران کمتر یافت می‌شود. اما باید گفت متأسفانه به دلایل گوناگون از جمله به خاطر توضیح مشکل و محدود مرکز کرمان شناسی در واقع این کتاب چاپ شد، اما به درستی توزیع نشد و لذا در زمره مظلوم‌ترین نوشته‌های اینجانب است. وقتی که این کتاب در استان کرمان به ویژه در سیرجان، بردسیر و شهر بابک غریب باشد، تکلیف آن در جاهای دیگر ایران مشخص است، گر چه بر این باورم که در دراز مدت هر چیز در جای خود قرار می‌گیرد و به قول ضرب‌المثل ایرانی آتش جای خود را باز می‌کند. این کتاب یک ریز مردم‌نگاری بسیار پر زحمت و پرکار همچون پته‌های پر کار و ظریف قدیمی سیرجان و قالی‌های قدیمی کرمان، گلیم‌های نقش‌مازنجیل و گلیم‌پیچ عشایر منطقه «سر می‌خواهد» یک ضرب‌المثل سیرجانی می‌گوید: «نقش‌مازنجیل سر می‌خواهد؛ دختر بی‌تدبیر پدر می‌خواهد.» و وقتی کسی بدون دلیل اظهار خستگی کند می‌گوید «مگر نقش‌مازنجیل بافته ای؟» با این حال امروز از هر هزار نفر دانشگاه‌دیده‌ی سیرجانی، بردسیری و شهر بابکی، اگر یک نفر پیدا شود که این کتاب را دیده و خوانده باشد خود پدیده‌ای است، حتی کسانی عکس پدر بزرگ، مادر بزرگ، خویش‌اندان، خانه، ده و ایل آنها در این کتاب آمده و حتی فرزندان و نوه‌های صد و پنج تن از مصاحبه‌شوندگان ما نام و نشان‌شان در چند صفحه در پایان کتاب آمده و در مقدمه از آنها سپاسگذاری شده است. البته این سخن دیگر دیر هنگام است و چاپ این کتاب تمام شده است.

* لطفاً اگر ممکن است به بارزترین شکل دلایل اهمیت مردم‌شناختی این کتاب را برای مخاطبان و فرهیختگان سیرجانی بشکافید؟

این کتاب از نظر مردم‌شناسی و هنر و باستان‌شناسی دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ نخست اینکه این کتاب پر از کشفیاتی است که برای شاخه نوینی از مردم‌شناسی بسیار مفید است و آن مردم‌شناسی دانش‌ها و فناوری‌های سنتی است و در آن جمله سرشاخه‌ای از آن به نام آب و هواشناسی سنتی و انسان‌شناسی پزشکی. این کتاب رکورد دار مطالب نو در زمینه آب و هواشناسی سنتی ایران است. رکورد قبلی که باز هم از مؤلف بوده ۵۰ صفحه است و رکورد قبلی ۱۱ صفحه از استان ایلام و لرستان بوده است. این اثر در حدود دویست صفحه رقیعی مطلب در این زمینه دارد. می‌گویند اسکیموها که همه زندگی آنها در برف و با برف



است؛ خانه از برف، شیشه از برف، تخت‌خواب و اجاق از برف، یازده اصطلاح برای انواع برف دارند و یونانیان ۱۷ نوع ابر را از هم باز می‌شناسند. در حالی که روستاییان عشایر سیرجانی در یک قلم ۳۷ نوع باران را با ۵۰ اصطلاح می‌شناسند و چهل نوع ابر و باد را از هم تمیز می‌دهند و از علائم نامحسوسی برای ما و با دانش صریح و ضمنی خود که در یک مورد مؤلف خود شاهد آن بوده است، وضع آب و هوایی در کوتاه مدت با دقت زیاد پیش‌بینی کرده و تا حد اطلاع اکنون ما در صحبت‌های روزمره ظاهراً این بیسوادان پشت کوهی! اما پر فرهنگ و پر تجربه‌ی تاریخی بیش از ناصد اصطلاح آب و هوایی را به کار می‌برند و این بسیار شگفت‌آور است. در ضمن کشاورزان و عشایر منطقه افزون بر تقویم نجومی و تقویم‌های کشاورزی و دامداری، دارای تقویم آب و هوایی ویژه محلی نیز می‌باشند که در این بخش کتاب ثبت و ضبط شده است. فصل آخر کتاب کشفیات نوینی در زمینه باستان‌شناسی و نشانه‌شناسی است و تاریخ هنر منطقه را بسیار به عقب می‌برد. این فصل در معرفی‌شش سایت از کنده کاریهای صخره‌ای و سنگ‌نگاره‌های غالباً پیش از تاریخ است. قبل از چاپ کتاب موزه‌های در باد و این فصل از کتاب، هنر ایران به شش هزار سال پیش و از نقش و نگارهای سفالین‌های تپه سیلک کاشان شروع می‌شد. کنده کاری‌های بر روی سنگ یافت شده در این دو کتاب، تاریخ هنر ایران را حداقل به دو برابر یعنی دوازده هزار سال باز می‌گرداند. این کشفیات مورد تأیید سازمان میراث فرهنگی قرار گرفته و مقاله‌ای از آن به نام معرفی نقوش صخره‌ای نو یافته در سیرجان و شهر بابک کرمان در فصل نامه میراث فرهنگی شماره ۱۷ بهار و تابستان ۱۳۷۶ در پانزده سال پیش به چاپ رسیده است. در کشف این مناطق استاد محمد علی آزادپناه، رضا مقدس، خاندان سیاوشی، مجید کورکی، محمد تبریزی و دیگران نقش اساسی داشته و همسفر و همراه با ما بوده‌اند. کشف دیگر ما در این کتاب، فرهنگ دامداری و دامپزشکی اعجاب‌آور عشایر منطقه است که در سه فصل کتاب، نقش‌میش در ادبیات عامیانه و شفاهی روستاییان و عشایر سیرجان و فن‌آوری

های مربوط به مشک‌سازی و مشک‌زنی آنها می‌باشد. در فصل نقش‌میش در ادبیات عامیانه منطقه، روایت جدیدی از قصه رز و میش ثبت و ضبط شده است که احتمالاً قدمتی بیش از متن پهلوی درخت آسوریک دارد. این قصه منظوم که مؤلف در مصاحبه‌های خود با عشایر و روستاییان منطقه با آن آشنا شد و بعدها به نسخه مکتوبی از آن در روستای میمند دست یافت که بخشی از کتاب درسی دست‌نویس مکاتب قدیم میمند بوده و برای آموزش به کودکان به کار می‌رفته است. دو صفحه از این کتاب با علامت «چلیپا و چهارخال» در کتاب موزه‌های باز یافته به چاپ رسیده است. که نشانه‌ی میانی و اساسی نقش‌مازنجیل بوده و مؤلف قدمت آنرا ده هزارسال به عقب برده و هفده معنی برای آن یافته است. این نقش هنوز هم تقدس خود را حفظ کرده و بر روی کاسه شله زرد و حلیم نذری با دارچین و با سیرداغ و پیاز داغ و کشک بر روی آش و با نعنای خشک بر روی کاسه ماست ایرانیان خود را می‌نمایاند، اما غیر قابل‌تصورترین فصل این کتاب، فصلی به نام واکسیناسیون پیش از پاستور در میان عشایر و روستاییان سیرجان و چند شهر پیرامون آن است که یکی از پنداشته‌های مهم در تاریخ پزشکی را به چالش می‌کشد و آن موضوع رواج شیوه پیشگیری برخی امراض واگیردار دام‌ها و از آن جمله «پب گوش»، بسیار جلوتر از کشف مایه کوبی توسط ادوارد جنر انگلیسی لویی پاستور فرانسوی و فلیپ سملوایس مجارستانی می‌باشد این کشف مردم‌شناسانه بیست سال پیش (۱۳۷۱) با تردید بسیار به کنگره بین‌المللی تاریخ پزشکی در اسلام و ایران ارائه و با تعجب در این کنگره پذیرفته و ارائه شد؛ تردید من از اینجا ناشی می‌شد که هیئت علمی این کنگره از پزشکان سرشناس ایرانی و خارجی تشکیل می‌دادند و به نظر می‌رسید که به خاطر غریب بودن جو این کنگره با زبان و شیوه کار مردم نگارانه احتمال پذیرش چنین مقاله‌ای بسیار نادر است. موضوع این مقاله در دو دهه پیش بازتاب بسیار یافت و به وسیله رسانه‌ها و رسانه ملی مطرح و خبرگزاری جمهوری اسلامی آن را مخابره کرد، اما غرب کمتر دوست دارد؛ چنین خبرهایی را بشنود. عشایر منطقه قرن‌ها با تشخیص افتراقی، اولین دام‌بیمار را تشخیص و از بقیه جدا کرده و در مرحله پختگی بیماری مایه و میکروب لازم را از دام بیمار گرفته و به شیوه سنتی فرآوری کرد و به شکل بسیار خلاقه و تصور ناشدنی به بیمار منتقل می‌کرده‌اند و پس از متورم شدن جای مایه کوبی و اطمینان از موفقیت در کار «بهار کردن» تا هفت سال دیگر دام‌ها در برابر این بیماری مصونیت می‌یافتند. گفتنی است که در سال ۱۳۶۲ یعنی از ۲۸ سال پیش تا سال ۱۳۷۵ دوازده مقاله و چند سخنرانی در همایش‌ها از یافته‌های این پژوهش به چاپ رسیده است، باید دانست که معیار برای پذیرش رساله دکتری، چاپ یکی دو مقاله در مجلات علمی و پژوهشی است. این اثر دارای ۲۶۵ طرح و تصویر است که این تصاویر از جهت صرف وقت بسیار در مدتی طولانی فراهم آمده‌اند. تنها برادر ارجمند عکاس و هنرمند دبیر پیشکسوت و با ذوق دبیرستانهای سیرجان (رضا مقدس) بیش از ۵۰ مسافرت با مؤلف در طی ۱۷ سال داشته